



«کتاب توسعه کرمانشاه» منتشر شد

به همت اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه کتابی تحت عنوان «کتاب توسعه کرمانشاه» منتشر شد.

کتاب توسعه کرمانشاه در ۱۰ فصل و ۳۵۰ صفحه تدوین و منتشر شده است. در فصول مختلف این کتاب به موارد متعددی پرداخته شده که از جمله آن می‌توان به تاریخچه کرمانشاه از زمان باستان تا جنگ تحمیلی، وضعیت اقلیمی و ژئوپولتیک کرمانشاه، تنوع کرمانشاه در زمینه‌های مختلف زیستی، تجاری، صنعتی، کشاورزی، گذری به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و ... اشاره کرد.

این کتاب از طریق واحد روابط عمومی اتاق کرمانشاه در اختیار علاقمندان، فعالان اقتصادی، اساتید دانشگاه و ... قرار خواهد گرفت و متقاضیان می‌توانند با مراجعه به اتاق کرمانشاه کتاب را دریافت نمایند.

خلاصه کتاب توسعه کرمانشاه: توسعه رنگین‌کمانی؛ گذار نخبه‌محور به توسعه جوامع محلی

کرمانشاه دارای تاریخی باشکوه است و همیشه دارای اهمیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی محوری بوده است؛ هرچند همزمان میدان جنگ‌ها و نبردهای زیادی بین قدرت‌های مختلف نیز بوده است. کرمانشاه دارای ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متنوعی است که با قرار گرفتن در کنار تنوع اقلیمی و طبیعی منحصر به فرد، بستر و زمینه مطلوبی را برای توسعه‌یافتگی فراهم نموده است. با وجود این، کرمانشاه نه‌تنها به توسعه‌یافتگی دست پیدا نکرده است، بلکه در باتلاق عظیمی از توسعه‌نیافتگی گرفتار شده است. بررسی شاخصه‌های توسعه‌یافتگی در کرمانشاه در وضعیت موجود، نشان از این دارد که این استان در بحران‌های مضاعف غلتان است. در بیشتر این شاخصه‌ها، کرمانشاه وضعیت نامناسبی دارد. چنین وضعیتی در دهه‌های اخیر، به صورت مداوم بدتر شده است. به هر حال کرمانشاه دارای زمینه‌های لازم برای توسعه‌یافتگی است و اگر آن را با دیگر مناطق ایران مقایسه کنیم، در رتبه‌های بالا قرار می‌گیرد، اما از لحاظ توسعه‌یافتگی در انتهای رتبه-بندی در بیشتر شاخصه‌ها قرار قرار می‌گیرد. پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که چرا کرمانشاه با وجود چنین منابع و زمینه‌هایی، گرفتار چنین وضعیتی شده است و در باتلاق توسعه‌نیافتگی گرفتار شده است؟ کتاب حاضر تلاشی برای پاسخ به این پرسش با بررسی دیدگاه متصدیان و صاحب‌نظران توسعه کرمانشاه است.

تجربه‌های نظری در سطح جهانی در زمینه توسعه نشان می‌دهد که الگوهای فکری کلان و مرسوم توسعه چندان توان به‌پیش‌بردن فرآیند توسعه در اجتماعات مختلف را ندارند. دلیل این مسئله عدم توجه به ظرفیت‌های زیستی - جغرافیایی جوامع مختلف، در نظر نگرفتن نقش کنشگری جوامع محلی در فرآیند توسعه، ناپایداری زیست‌محیطی و مرکزگرا بودن طرح‌های توسعه‌ای در این الگوها است. این در حالی است که کرمانشاه دارای خاصیت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی، اقلیمی، جغرافیایی، زیستی و انسانی منحصربه‌فردی است که تبیین نظری توسعه‌یافتگی بدون لحاظ نمودن آن‌ها نمی‌تواند چندان موفقیت‌آمیز باشد. بنابراین ما نیاز به رویکردی نوین داریم که همزمان که این ویژگی‌های منحصربه‌فرد را مدنظر دارد، به پایداری زیست-محیطی، کنشگری جوامع محلی و فعال کردن ظرفیت‌های انسانی آنها، و شکوفایی فضای زیستی - جغرافیایی نیز توجه نماید. با لحاظ این مسائل، ما در این کتاب، نظریه‌ای با عنوان «توسعه رنگین‌کمانی: گذار نخبه‌محور به توسعه جوامع محلی» را برای رهایی از وضعیت تعلیق توسعه در کرمانشاه ارائه داده‌ایم.

بر مبنای این نظریه، کرمانشاه گرفتار دام دوگانه ضدتوسعه در کرمانشاه است. به نظر می‌رسد که این دام عامل محوری در توسعه‌نیافتگی کرمانشاه باشد. به طور خلاصه کرمانشاه با دو دام توسعه‌نیافتگی مواجه است که در هم تنیده شده‌اند. دام اول «دام مرکزی» است که هم ریشه در فقدان نگاه توسعه‌ای در نظام تصمیم‌گیری کلان دارد و هم ریشه در غلبه نگاه امنیتی، ایدئولوژیک و مذهبی از سوی نظام تصمیم‌گیری مرکزی نسبت به مسئله توسعه کرمانشاه. برپایه این نگاه، کرمانشاه تبدیل به یک «منطقه ممنوعه» برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی کلان و استراتژیک، توسعه نهادهای مدنی محلی، رشد خرده فرهنگ‌ها و نقش‌آفرینی سیاسی بازیگران قومی-مذهبی خارج از ایدئولوژی مسلط شده است. بر اساس این دام، مدیران غیربومی که شناخت چندان از مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کرمانشاه نداشته‌اند، در چارچوب مناسبات سیاسی به کرمانشاه تحمیل شده‌اند که نتیجه آن این بوده است که سطح مدیریت در کرمانشاه به شدت نزول پیدا کرده است. ساخت رانتی حاکم بر نظام تصمیم‌گیری کلان در مرکز و قدرت چانه‌زنی پایین نمایندگان محلی باعث شده است کیفیت مدیریت در کرمانشاه پایین بیاید و عملاً نمایندگان نتوانند کمکی به حل مسئله توسعه‌نیافتگی کرمانشاه بکنند. علاوه بر این، نگاه مرکز به کرمانشاه همیشه یک نگاه امنیتی بوده است که بر مبنای آن، توسعه به هیچ عنوان به‌مثابه منبع امنیت نگریسته نشده است، بلکه برعکس، در موارد بسیاری به دلایل امنیتی و تنگ‌نظری‌های قومی و مذهبی در نظام تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری توسعه‌ای در کرمانشاه محدود شده یا به تعویق افتاده است. دام دوم توسعه‌نیافتگی در کرمانشاه، یک دام محلی است. تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی در کرمانشاه در یک حالت عادی می‌تواند تبدیل به عاملی برای توسعه‌یافتگی شود، اما در کرمانشاه تبدیل به عاملی برای توسعه‌نیافتگی شده است. تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی در کنار تنگ‌نظری‌های قومی و مذهبی حاکم بر جناح‌بندی‌های سیاسی قرار گرفته است و سبب شکل‌گیری یک مدیریت ناپایدار، مخرب و رانتی شده است. ما در کرمانشاه شاهد «تقسیم قدرت توسعه‌خوار» بین این گروه‌های مختلف هستیم. هر کدام از این گروه‌ها به طریقی منابع توسعه‌ای کرمانشاه را تخریب

کرده‌اند و فضا را برای کنشگری توسعه‌ای مسموم نموده‌اند. نخبگان قومی و مذهبی در شرایط عادی (فضای غیرسیاسی و غیرایدئولوژیک) می‌توانستند مسائل مختلف منطقه‌ای را مدیریت کرده و ثبات ایجاد کنند، اما هنگامی که وارد رقابت‌های ایدئولوژیک و سیاسی می‌شوند این کارایی خودشان را از دست داده و خود، تبدیل به بخشی بزرگ از چرخه فرساینده ضدتوسعه در کرمانشاه می‌شوند. نیروهایی که در حالت عادی می‌توانستند چرخ‌دنده‌های توسعه در کرمانشاه را به حرکت در بیاورند، اکنون خود در چرخ‌دنده‌هایی ضدتوسعه گرفتار شده‌اند. بنابراین به طور خلاصه، دام محلی نتیجه تعامل سیاسی رانت‌جویانه بین نیروهای قومی و مذهبی سنتی، و نظام مدیریت استانی در کرمانشاه است. برآیند این دام، شکست مدام توسعه و «بازگشت آستانه‌ای توسعه» در کرمانشاه است. بنابراین می‌توان گفت که کرمانشاه در یک وضعیت تعلیق توسعه‌ای گرفتار شده است که محصول درهم‌تنیدگی دو دام ضدتوسعه‌ای محلی و مرکزی است. این دو دام در یک چرخه ضد توسعه، یکدیگر را تقویت کرده‌اند. تا این چرخه شوم شکسته نشود، «تعلیق توسعه» در کرمانشاه به تعلیق درنخواهد آمد.

برای شکست این دام و رهایی از تعلیق توسعه، لازم است الگویی از توسعه نخبه‌محور محلی شکل بگیرد که از یک سو بر توسعه گروه‌های قومی، مذهبی و سیاسی و شکوفایی توانمندی‌های آن‌ها، و از سوی دیگر بر افزایش ظرفیت پذیرش نظام تصمیم‌گیری کشوری و تغییر نگاه امنیتی، ایدئولوژیک و مذهبی آن به نگاهی توسعه‌خواه بنیاد شده باشد. در وضعیت موجود، ساختارهای نخبگانی در کرمانشاه به خدمت ایدئولوژی و رقابت‌های سیاسی رانت‌جویانه درآمده است (دام محلی) و منطق قدرت در «مرکز» هم اجازه فعالیت گسترده و موثر اقتصادی، اجتماعی و توسعه‌ای به گروه‌های قومی و مذهبی متفاوت با ساختار رسمی را نمی‌دهد (دام مرکزی). برای شکست دام محلی نیاز است که پتانسل گروه‌های قومی، مذهبی، فرهنگی و جوامع محلی به طور عام، شکوفا شود. هر کدام از این اجتماعات دارای توانمندی‌ها و قابلیت‌های توسعه‌ای زیادی هستند که شکوفایی مجموعه آن‌ها می‌تواند تعلیق توسعه در کرمانشاه را از بین ببرد. برای نیل به این هدف لازم است فرآیند توسعه به سمت یک نظریه توسعه رنگین‌کمانی (گذار نخبه‌محور به توسعه جوامع محلی) حرکت کند و ما شاهد شکوفایی در سرمایه انسانی و فضای زیستی (جغرافیایی) استان باشیم.

مسئله این است که نخبگان قومی، مذهبی و فرهنگی چگونه می‌توانند دام دوگانه ضدتوسعه در کرمانشاه و تعلیق توسعه آن را شکسته و فرآیند توسعه در کرمانشاه را به پیش ببرند. عامل محوری برای شکست این دام توسط نخبگان، «شبکه‌سازی» است. شبکه‌سازی توسعه‌ای شامل چند مرحله می‌شود که به صورت فرآیندی با یکدیگر مفصل‌بندی می‌شوند. در ابتدا همفکری، گفتگو و اجماع نخبگان نوین قومی، مذهبی و فرهنگی در درون جامعه محلی شکل می‌گیرد، سپس این مجموعه نخبگانی در ارتباط و تعامل با نخبگان سنتی قرار می‌گیرد. در این حالت ما شاهد شبکه‌سازی توسعه‌ای درون‌قومی، درون‌گروهی یا درون-فرهنگی هستیم. در مرحله بعد، هر مجموعه نخبگانی در ارتباط با مجموعه‌های نخبگانی دیگر گروه‌های قومی، فرهنگی و مذهبی قرار می‌گیرد. در این وضعیت شاهد شکل‌گیری شبکه‌سازی توسعه‌ای نخبگانی در سطح کرمانشاه خواهیم بود. در مرحله بعد، این شبکه‌سازی کلان توسعه‌ای در ارتباط با نیروهای سیاسی و نظام تصمیم‌گیری استانی قرار می‌گیرد و چرخه ضدتوسعه تعامل رانتی نخبگان سنتی با نیروهای سیاسی استانی تضعیف می‌شود. بنابراین در این مرحله دام محلی توسعه گسسته می‌شود. سپس در مرحله بعد، شبکه‌سازی توسعه‌ای نخبگانی کرمانشاه می‌تواند در تعامل با نخبگان فرااستانی (شامل نخبگان ملی کرمانشاهی و غیرکرمانشاهی) قرار گیرد. بدین ترتیب نخبگان کرمانشاهی که در نظام تصمیم‌گیری کلان کشوری نفوذ و قدرت دارند وارد شبکه‌سازی توسعه‌ای شده و الگویی از تعامل با نظام تصمیم‌گیری کشوری در جهت کاهش و یا از بین بردن نگاه امنیتی، ایدئولوژیک و مذهبی به کرمانشاه شکل می‌گیرد. در این وضعیت است که دام مرکزی ضدتوسعه هم می‌تواند گسسته شود. دقت کنیم که از بین رفتن دام محلی ضدتوسعه نقش بسیار مهمی در از بین رفتن دام مرکزی ضدتوسعه ایفا خواهد کرد. در نهایت اگر این فرآیند به سرانجام مناسبی برسد، به تدریج چرخه‌های ضدتوسعه محو می‌شوند و چرخ‌دنده‌های توسعه کرمانشاه می‌تواند به حرکت در بیاید و تعلیق توسعه کرمانشاه شکسته شود.

شکست دام‌های محلی و مرکزی ضدتوسعه و شکل‌گیری شبکه‌سازی توسعه‌ای در کرمانشاه پیش‌نیاز شروع فرآیند توسعه در این استان است. اما پرسش این است که این شبکه‌سازی پس از شکست این دام‌ها چگونه باید به دنبال توسعه‌یافتگی استان کرمانشاه باشد. هر طرح توسعه‌ای در کرمانشاه باید دو مسئله را مدنظر داشته باشد: اول اینکه جوامع محلی در ارائه و عملیاتی کردن آن نقش بنیادی داشته باشند؛ و دوم اینکه پایداری زیست‌محیطی آن مشخص و روشن باشد و هیچ‌گونه آسیبی به



محیط‌زیست وارد نکند. هر طرح توسعه‌ای که این دو ویژگی را نداشته باشد، نمی‌تواند برای توسعه رنگین‌کمانی کرمانشاه سودمند باشد. کرمانشاه دارای تنوع اقلیمی، طبیعی و انسانی گسترده‌ای است؛ به‌گونه‌ای که هر منطقه‌ای از استان دارای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های توسعه‌ای خاص است. آنچه باید بدان توجه شود این است که فضای زیستی و جغرافیایی باید شکوفا شود تا بتوان با بهره‌گیری از قابلیت‌های نیروی انسانی، فرآیند توسعه را به پیش برد. شکوفایی فضای زیستی و جغرافیایی در ارتباط مستقیم با قابلیت‌ها و توانمندی‌های طبیعی، اقلیمی و انسانی در هر منطقه است. جوامع محلی که در فضای زیستی و جغرافیایی زندگی می‌کنند بیش از هر فرد، گروه و سازمان دیگری این توانمندی را دارند که تشخیص بدهند که فضای زیستی و جغرافیایی آن‌ها برای پیشبرد چه طرح‌های توسعه‌ای می‌تواند کارآمد باشد. این ایده‌ها که می‌تواند برگرفته از گفتگوهای اجتماعی محلی باشد، در مرحله بعد با طی کردن یک فرایند غربالگری کارشناسی و تخصصی، وارد شبکه توسعه‌ای محلی برای تهیه مقدمات اجرایی شدن می‌گردد. بنابراین، مسئله مهم این است که از قابلیت‌ها و توانمندی‌های زیستی و جغرافیایی هر منطقه با لحاظ نمودن پایداری زیست‌محیطی به نحو احسن استفاده شود.

در نهایت می‌توان گفت که توسعه رنگین‌کمانی (گذار نخبه محور به توسعه جوامع محلی) می‌تواند با شبکه‌سازی توسعه‌ای دام دوگانه ضدتوسعه در کرمانشاه را شکسته و کرمانشاه را وارد فرآیند توسعه‌یافتگی نماید. این مسئله هم‌زمان می‌تواند مدارای قومی، مذهبی و فرهنگی در کرمانشاه را افزایش داده، سرمایه اجتماعی بین‌گروهی را تقویت نموده و پیوند مخرب محلی و مرکزی را از بین ببرد. هم‌زمان با این مسئله، عقلانی شدن منطق قدرت «مرکز» را شاهد خواهیم بود. در حالت سنتی و غیرتوسعه‌ای، این «مرکز» است که برای توسعه کرمانشاه تصمیم‌گیری می‌کند (تصمیماتی که در نهایت منجر به شکل گرفتن دام مرکزی شده است) اما در حالتی که توسعه رنگین‌کمانی و گذار نخبه‌محور به توسعه جوامع محلی ایجاد شود، این کرمانشاه است که فرآیند توسعه‌یافتگی خود را به «مرکز» تحمیل خواهد کرد.